پنج‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۱
۲۸ ذی الحجه ۱۴۴۳ . شماره ۲۰۹۹۶
خراسان روزنامه صبح ایران

شکار «کژدم حیله گر» در مشهد!

کلاهبرداری که از استان های دیگر کشور نیز تحت تعقیب بود با وعده ازدواج از «بیوه زنان» اخاذی می کرد

اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادپور - مرد کلاهبرداری که با معرفی خود به عنوان طلافروش یا تاجر پولدار با «بیوه زنان» ارتباط برقرار می کرد و سپس با وعده ازدواج، طلاهای آنان را با شگرد خاص می ربود یا با تهیه فیلم و عکس دست به اخاذی می زد با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی دستگیر شد که از چند استان دیگر کشور هم تحت تعقیب بود.

به گزارش اختصاصی خراسان، تشکیل پرونده هایی در مراکز انتظامی مشهد، از فعالیت های مجرمانه مرد میان سالی پرده برداشت که خود را اهل تبریز معرفی می کرد و بدین ترتیب ماجرای کلاهبرداری از زنان بیوه و مطلقه با وعده واهی ازدواج در دستور کار پلیس قرار گرفت. با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع که زنان زیادی، قربانی تبهکاری های «کژدم حیله گر» شده بودند، سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی، گروهی تخصصی از کارآگاهان زبده اداره عملیات ویژه را مامور رسیدگی به این پرونده کرد. به همین دلیل مطالعه گزارش های مال باختگان وزنانی که توسط این تبهکار حیله گر اغفال شده بودند، آغاز و مشخص شد که در برخی از موارد او با تهیه فیلم و عکس از ارتباط شیطانی خود با طعمه هایش چندین سال از آنان اخاذی کرده است ولی بسیاری از قربانیان «کژدم حیله گر» به دلیل جلوگیری از آبروریزی، نتوانسته اند از او شکایت کنند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: طولی نکشید که جلسات تخصصی و کارشناسی این ماجرا زیر نظر سرهنگ محمدرضا افتخاری (رئیس اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی) برگزار شد و کارآگاهان با استفاده از شگردهای پلیسی به ردزنی کلاهبردار مذکور پرداختند امانتایج تحقیقات نشان می داد که متهم مذکور بسیار زیرک و حرفه ای است و هنگام ارتباط با هر کدام از طعمه های خود از خط های تلفن مجزایی بهره می گیرد. این در حالی بود که ریشه یابی خطوط تلفنی وی نیز به سرانجامی نرسید چرا که همه این خط های تلفنی به نام افراد بی سواد و تنگدستی در استان های شرقی کشور ثبت شده بود. با وجود این تلاش های شبانه روزی کارآگاهان به تهیه تصویری از این تبهکار حرفه ای انجامید که مال باختگان وزنان مطلقه آن را تایید کردند.

تصویر متهم، دقایقی بعد از دستگیری در مشهد

عکس ها اختصاصی خراسان

با شناسایی هویت «ناصر-ب» و آخرین تصویر وی، مشخص شد که او مرد ۵۸ ساله ای اهل و ساکن تبریز است اما بررسی بانک های اطلاعاتی و استعلام های پلیس از مراکز برون سازمانی نشان می داد که وی ۱۰ روز قبل از مشهد خارج شده و به تهران و کرج رفته است. بنابراین گزارش، حالا دیگر مردی که بین مال باختگان به «کژدم حیله گر» معروف بود زیر چتر اطلاعاتی کارآگاهان اداره عملیات ویژه آگاهی قرار گرفت و در تور پلیس افتاد. قبل از آن که کارآگاهان برای دستگیری وی و با هماهنگی قاضی خدابنده (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) عازم تهران شوند، اطلاعاتی رسید که حکایت از بازگشت متهم در آینده نزدیک به مشهد داشت. به همین دلیل گروه عملیاتی کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ خداوردی نژاد، اقدامات فنی و اطلاعاتی را با گزارش محرمانه مشخصات متهم تحت تعقیب به مراکز زیر مجموعه پلیس اماکن عمومی آغاز کردند و منابع دیگری مانند اجاره دهندگان سوئیت ها را نیز به کار گرفتند.

چند روز بعد زنگ یک تلفن محرمانه، کارآگاهان اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی را به تکاپو انداخت و آن ها بلافاصله سلاح های سازمانی را برداشتند و با خودروهای پوششی به طرف مرکز شهر حرکت کردند در جایی که متهم سوئیتی را در آن با مشخصات سجلی جعلی اجاره کرده بود. کارآگاهان با رعایت اصل غافلگیری و با دستور قاضی کیانی (بازپرس پرونده) وارد عملیات شدند و «ناصر-ب» را در حالی دستگیر کردند که او همچنان مات و مبهوت به کارآگاهان لباس شخصی خیره شده بود. در بازرسی از محل اقامت «کژدم حیله گر» تعدادی فلش و مموری به دست آمد که تصاویر برخی شاکیان و شیوه های فعالیت های مجرمانه وی در آن وجود داشت.

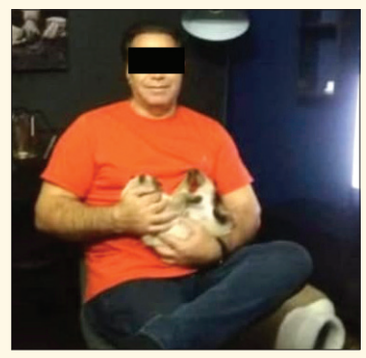

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان با انتقال این متهم ۵۸ ساله به پلیس آگاهی، تحقیقات از وی با حضور ۷ تن از زنان مال باخته ادامه یافت و او به فروش طلاهای شاکیان به طلافروشانی در خیابان شهید مفتح کوی طلاب مشهد اعتراف کرد. به همین خاطر و با راهنمایی های سرهنگ شفیع زاده، کارآگاهان، طلافروشان مالخر را نیز دستگیر کردند که طلاها را بدون فاکتور خریده بودند. در همین حال یکی از شاکیان این پرونده به سروان مهربان (افسر پرونده) گفت: ۷ سال قبل در یکی از بیمارستان های مشهد با «کژدم حیله گر» آشنا شدم. آن زمان به تازگی از شوهرم طلاق گرفته بودم و اوضاع روحی مناسبی نداشتم. وقتی این تبهکار حیله گر با چرب زبانی وارد زندگی ام شد و وعده ازدواج داد من هم خیلی زود به او اعتماد کردم و این گونه روابط ما ادامه یافت ولی هنوز دو هفته بیشتر از این ارتباط اغفال گونه نمی گذشت که روزی از زندان تهران با من تماس گرفت و گفت: به جرم کلاهبرداری و سرقت به زندان افتاده است و سپس از من خواست تا ۳۰۰ میلیون تومان به حساب برادرش واریز کنم که از شاکیان خودش رضایت بگیرد در غیر این صورت عکس ها و فیلم هایی را که از یک رابطه فریبکارانه تهیه کرده بود در فضای مجازی منتشر می کند. من هم که از آبروی خودم می ترسیدم با هر بدبختی بود این پول را فراهم کردم و به او دادم ولی او بعد از آزادی از زندان مرا رها نکرد و همچنان با همین تصاویر از من اخاذی کرد تا این که وقتی فهمیدم کارآگاهان پلیس آگاهی او را دستگیر کرده اند نفس راحتی کشیدم و همه استرس ها و نگرانی هایم پایان یافت.

به گزارش روزنامه خراسان، یکی دیگر از مال باختگان این پرونده گفت: شهریور سال گذشته مقابل مطب دندان پزشکی درون خودرو نشسته بودم که مردی خوش تیپ و شیک پوش، با من وارد گفت و گو شد و با چرب زبانی چنان فریبم داد که خودم نیز نفهمیدم چگونه به همین راحتی در دام یک کلاهبردار افتادم. او مدعی شد در بولوار سجاد مشهد طلافروشی بزرگی دارد و سپس از من خواست به خاطر این که خودروی بنز آخرین مدل خود را به دلیل ترافیک بیرون نیاورده، او را چند خیابان بالاتر برسانم من هم که محو خوش زبانی های او شده بودم، تقاضایش را پذیرفتم او در بین راه پرسید چرا طلاهایت را سرمایه گذاری نمی کنی؟ و ادامه داد: من با نگهداری امانت طلاها سود خوبی به شما می دهم. او طوری با اعتماد تمام دروغ هایش را حقیقت جلوه می داد که نه تنها من بلکه هیچ کس دیگری هم به او مشکوک نمی شد. به همین خاطر هم من دستبند و گردنبندم را بیرون آوردم و به او دادم ولی چند دقیقه بعد با شگرد عجیبی از خودرو پیاده شد و گریخت که من هنوز هم باورم نمی شود به همین راحتی فریب خورده ام و...

همچنین یکی دیگر از طعمه های این تبهکار حرفه ای که زنی مطلقه و مسافرکش شهری بود درباره شکایت خود به پلیس گفت: من برای هتل های هسته مرکزی شهر مسافر جابه جا می کنم و از این طریق روزگارم را می گذرانم. روزی مقابل یکی از هتل های بزرگ نشسته بودم که مسافری خوش تیپ و قیافه به من گفت: خودروی دربستی می خواهم و نشانی خیابان بابک در منطقه بالاشهر را داد. من هم پذیرفتم و در طول مسیر به او گفتم شغل من مسافرکشی نیست! اما شما را به خاطر شخصیت جذاب تان سوار کردم چون قرار است برای تمدید رهن خانه، طلاهایم را بفروشم! و قرار بود به یک طلافروشی بروم! آن مرد خیلی با طمأنینه و آرام پاسخ داد: لازم نیست طلاهایت را بفروشی! من خودم تاجر طلا هستم آن ها را نزد من امانت بگذار و ماهانه مبلغ اجاره منزلت را بگیر و بیشتر از آن سود خوبی هم می دهم! به گونه ای که دیگر فعالیت در تاکسی اینترنتی را رها کنید و زندگی خوبی داشته باشید! با شنیدن این حرف ها خیلی دلگرم شدم و طلاهایم را از درون جعبه جواهرات بیرون آوردم او آن ها را دانه دانه در یک کیسه عینک گذاشت و درون جیبش قرار داد. بعد از چند دقیقه هم به بهانه شارژ تلفن مقابل یک مرکز خرید از خودرو پیاده شد و از من خواست منتظرش بمانم اما وقتی مدت زمان زیادی گذشت و از پاساژ بیرون نیامد از خودرو بیرون آمدم و فهمیدم که از طرف دیگر مرکز خرید فرار کرده است و من قربانی یک کلاهبردار حیله گر شده ام!...

ادامه گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در همین حال یکی دیگر از قربانیان «کژدم حیله گر» به افسر پرونده گفت: من با خودرو مسافرکشی می کردم که او را در مسیر فرودگاه سوار کردم در همین شرایط دخترم تماس گرفت و من مشغول گفت وگوی تلفنی شدم به دخترم گفتم نگران نباشد با فروش طلاهایم پول اجاره خانه را تهیه می کنم! در این هنگام مسافر میان سال گفت: شما نظر کرده هستید! چون من دیشب خواب دیدم که باید به فردی کمک کنم! حالا هم فهمیدم این خواب تعبیر خوبی داشته است. آن مرد سپس خود را طلافروش پولداری در بولوار سجاد معرفی کرد و از من خواست تا طلاهایم را امانت به او بسپارم و به همان مبلغ پول بگیرم و بعد با بازگرداندن وجوه دریافتی، طلاهایم را بازپس بگیرم اما آن مرد که خود را فردی معتقد جلوه می داد با ترفندی از خودرو پیاده شد و گریخت. بنابراین گزارش تحقیقات بیشتر درباره اقدامات مجرمانه دیگر این تبهکار حرفه ای در حالی ادامه دارد که یک مقام آگاه در پلیس آگاهی خراسان رضوی از شهروندان خواست چنان چه با این شیوه و شگرد متقلبانه در دام این مرد کلاهبردار افتاده یا اغفال شده اند برای اعلام شکایت و شناسایی او به اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی مراجعه کنند و یقین بدانند که هویت آنان و همچنین ماجراهای اغفال با وعده و وعید واهی ازدواج به طور محرمانه در پلیس و دستگاه قضایی باقی خواهد ماند.

معمای ۷۰ ساله یک قتل در استرالیا حل شد

مقتولی که عبارت فارسی «تمام شد» در جیب داشت، شناسایی شد

یک پژوهشگر دانشگاه آدلاید استرالیا می گوید هویت یک مقتول ناشناس را پس از ۷۰ سال کشف کرده است. این مرد از زمان قتل در سال ۱۹۴۸ تا همین هفته به «سامرتون من» مشهور بود.

به گزارش یورونیوز، در اول دسامبر سال ۱۹۴۸ جسد متلاشی شده یک مرد چهل تا پنجاه ساله خوش پوش در ساحل سامرتون شهر آدلاید استرالیا پیدا شد. یک نصف سیگار روی یقه اش و عبارتی فارسی با حروف لاتین در جیبش بود: «تمام شد». آن طور که رسانه های محلی گزارش کرده اند آن تکه کاغذ، کلمات پایانی کتاب رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد است.

این اتفاق و نشانه های مبهم و اسرارآمیز همراه مقتول ناشناس در دوران آغاز جنگ سرد، فرضیه ارتباط قتل با سرویس جاسوسی شوروی یا مامور بودن قربانی را پیش کشید. با وجود کشف یک چمدان و شماره تلفن زنی به نام جسیکا، تحقیقات پلیس برای احراز هویت مقتول اسرارآمیز به جایی نرسید. «سامرتون من» چند ماه بعد به خاک سپرده شد.

■ کارل وب جاسوس نبود

پلیس آدلاید سال گذشته با نبش قبر «سامرتون من» موافقت کرد. این کار در راستای پژوهش های درک ابوت، استاد دانشگاه آدلاید برای حل معمای قتل اسرارآمیز انجام شد.

این استاد دانشگاه با استفاده از تار موهای نگهداری شده مقتول در بایگانی پلیس موفق شد شناسه ژنتیکی (دی ان ای) «سامرتون من» را شناسایی کند. پلیس هم یک مدل گچی از صورت وی را در اختیار آقای ابوت قرار داد.

استاد دانشگاه آدلاید با کالین فیتزپاتریک، چهره سرشناس پزشکی قانونی ایالات متحده آمریکا و متخصص پرونده های بایگانی، همکاری را آغاز کرد. این دو نفر توانستند شجره نامه مقتول را از دو شاخه متفاوت بازسازی کنند.

بر اساس یافته های این تیم دو نفره، مقتول ناشناس، کارل وب نام دارد. او نه یک جاسوس بلکه احتمالا یک عاشق شکست خورده بوده است. کارل وب، کوچک ترین پسر خانواده ای با ۶ فرزند بوده است و با زنی به نام دوروتی رابرتسون، معروف به داف وب، ازدواج کرده بود. از قرار معلوم، کارل وب متولد ۱۹۰۵ در حومه برلین و در زمان مرگ، مهندس الکترونیک بوده است. همسرش او را رها کرده و در جنوب استرالیا ساکن شده بود. کارل در جست وجوی وی به آدلاید آمده بود.

درک ابوت به سی ان ان گفت: «حالا باید نتیجه وجود سم در بدن مقتول مشخص شود. من می خواهم بدانم او چگونه مرده است. همچنین باید روند زندگی و سرنوشت دوروتی را هم کشف کنیم.»

ماجرای این قتل در استرالیا با توجه به عبارت پایانی ترجمه ادوارد فیتزجرالد از رباعیات خیام به پرونده «تمام شد» مشهور است.

سیل سیستان و بلوچستان ۳ قربانی گرفت

در حالی که استانداری کرمان از انسداد راه های ارتباطی ۷۱ روستا بر اثر وقوع سیل خبر داده، مقام های استان سیستان و بلوچستان از کشته شدن سه نفر و آسیب به ۵۱ واحد مسکونی بر اثر سیل مهیب این استان خبر دادند. مدیرکل ستاد بحران استانداری سیستان و بلوچستان روز گذشته گفت: به دنبال شدت بارندگی ها و سیلابی شدن معابر و جاده ها، دو نفر بر اثر برق گرفتگی و یک امدادگر در سانحه رانندگی در محورها جان خود را از دست دادند. همچنین مدیرکل بنیاد مسکن سیستان و بلوچستان اظهار کرد: فعالیت سامانه بارشی مونسون و سیل از روز دوشنبه تا کنون به ۵۱ واحد مسکونی این استان خسارت زده است. مصطفی بیگ مداح افزود: در شهرستان سرباز حدود ۳۵ واحد روستایی و ۱۶ واحد مسکونی در ۲ روستای شهرستان مهرستان بر اثر سیل و بارندگی شدید تخریب شده است. با توجه به این که ۵۰ درصد واحدهای مسکونی روستایی در استان مقاوم سازی شده احتمال می رود در واحدهای مسکونی مقاوم سازی نشده و واقع در بافت فرسوده خسارات گزارش شود.

■ انسداد ۷۱ روستا در جنوب کرمان به علت سیلاب

همچنین طبق گزارش ارسالی توکلی، خبرنگار خراسان، سیلاب سه شنبه شب در جنوب کرمان موجب انسداد ۷۱ روستا و آب بردگی سه خودرو شد. مدیرکل مدیریت بحران استانداری کرمان با اعلام این خبر اظهار کرد: تعدادی منزل مسکونی در شهرستان های ارزوئیه و فاریاب دچار آب گرفتگی شدند و سه دستگاه خودرو در شهرستان های منوجان، قلعه گنج و جیرفت دچار سیلاب شد که سرنشینان آن ها را نجات دادند، اما سیلاب خودروها را برد. او ادامه داد: یک زن در شهرستان رودبار جنوب مفقود شده بود که سه تیم جست وجو و نجات جمعیت هلال احمر با همراهی نیروهای بسیج از شب سه شنبه در پی جست و جوی این مفقودی بودند، که او پیدا شد. طی روز گذشته بارش باران در بخش هایی از استان اصفهان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، بوشهر، هرمزگان و... ادامه داشت اما خبری از خسارت سیل منتشر نشد.

اختصاصی خراسان

در امتداد تاریکی

رفتارهای وحشتناک تازه داماد!

همسرم رفتارهایی کودکانه دارد به طوری که در زندگی مشترک هر لوازم یا هدیه ای را برایم می خرد به محض یک مشاجره لفظی از من می خواهد تا آن چه را برایم خریده است به خودش بازگردانم تا جایی که برای پس گرفتن انگشتر، دستم را شکست و...

به گزارش روزنامه خراسان زن ۲۱ ساله ای که برای شکایت از همسرش وارد کلانتری طبرسی شمالی مشهد شده بود درباره این ماجرای تلخ به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: ۱۶ ساله بودم که «احمدعلی» به خواستگاری ام آمد، چرا که پدر او نیز در کنار فروشگاه مواد غذایی پدرم ابزارفروشی داشت. خانواده ام شناخت خوبی از خانواده احمدعلی داشتند به همین خاطر ازدواج ما به طور سنتی شکل گرفت. من فرزند ارشد خانواده بودم اما احمد علی یک خواهر بزرگ تر از خودش دارد که متاهل است. خلاصه مراسم عقدکنان ما در حالی برگزار شد که خانواده احمدعلی بسیار با من مهربان بودند و به من احترام می گذاشتند ولی متاسفانه نامزدم اخلاق کودکانه ای دارد به طوری که هرگاه لوازم یا هدایایی برای من می خرد بعد از یک مشاجره لفظی وادارم می کند تا لوازمی را که خریده، به او پس بدهم. از همان دوران نامزدی مدام به او می گفتم ما با یکدیگر زن و شوهر هستیم این رفتارها را کودکان خردسال انجام می دهند که وقتی با یکدیگر قهر می کنند اسباب بازی هایشان را از همدیگر پس می گیرند.

با وجود این نه تنها این رفتارهای زشت احمدعلی تغییری نکرد بلکه شوخی های عجیب و خطرناک او نیز به این ماجرا افزوده شد. او من و خواهر کوچکش را زیر مشت و لگد می گیرد و پس از اذیت های فراوان با خنده ای تلخ ادعا می کند که شوخی کرده است. چند بار هنگامی که با عجله در حرکت بودم ناگهان پایش را مقابلم سد کرده و من با سر به زمین خورده ام از سوی دیگر نیز هر پولی که به من می دهد از ترس او جرئت خرج کردنش را ندارم چرا که به محض هرگونه مشاجره یا بروز ناراحتی باید پولی را که به من داده به خودش بازگردانم. او چنان هنگام صرف غذا صداهای ناخوشایندی را از دهانش خارج می کند که من حالت تهوع می گیرم ولی او ادعا می کند اگر غذایی خوشمزه باشد باید در دهان صدا بدهد! رفتارهای زشت و زننده همسرم تا حدی ادامه یافت که با کودکان و نوجوانان معاشرت دارد و به دخترها متلک می گوید. او حتی زمانی که من بر ترک موتورسیکلت اش نشسته ام به طرز وحشتناکی در خیابان تک چرخ می زند و رفتارهای پرخطر از خود بروز می دهد. همسرم هیچ نظم و انضباطی در خانه ندارد به گونه ای که لباس هایش را به وسط اتاق پرت می کند و هیچ گاه برای خرید از منزل بیرون نمی رود. اکنون نیز همواره با گوشی تلفن همراه سرگرم است و نه تنها با دوستانش شرط بندی می کند بلکه با نوجوانان کم سن و سال به مصرف انواع قرص های مخدر دار ادامه می دهد این در حالی است که من نمی توانم از این رفتارهای اشتباه جلوگیری کنم و خانواده او نیز به خاطر همین مهربانی هایشان سعی دارند در زندگی ما دخالت نکنند با آن که ما در طبقه بالای منزل پدر شوهرم زندگی می کنیم اما آن ها همواره صدای مشاجره و درگیری های ما را نشنیده می گیرند تا شائبه دخالت در زندگی ما به وجود نیاید در همین حال و با آن که رفتارهای همسرم در شأن یک مرد جوان نیست، او پس از یک مشاجره لفظی قصد داشت النگو و انگشتری را که برایم خریده بود به زور از دستم بیرون بکشد اما چنان با عصبانیت این رفتار را انجام داد که دستم شکست و فریادم به آسمان بلند شد. حالا که پزشکان دستم را گچ گرفته اند به کلانتری آمده ام تا از او شکایت کنم در همین حال خانواده احمدعلی نیز پس از شنیدن این ماجرا طاقت نیاوردند و این بار او را از خانه بیرون کردند و...

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، بررسی های قضایی و مشاوره های روان شناختی در این پرونده، با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com